

ایسکانیوز بررسی می کند؛

بشارت آمدن نبی(ص) در تورات و انجیل

بشارت آمدن پیامبر گرامی اسلام در تورات و انجیل آمده به طوری که با کمی تعمق می توان این حقیقت تاریخی را دریافت.

به گزارش سرویس فرهنگی ایسکانیوز دین اسلامی جامع ترین راه و رسم بندگیست که خداوند برای به سعادت رساندن بشر توسط پیامبر خود؛ یعنی محمد مصطفی(ص) فرستاده است. در این دین برای ریزترین تا دشوارترین کارها احکامی وجود دارد که همگی توسط مفسران اصلی آن یعنی اهل بیت (ع) بیان شده است. مفسرانی که هر کدام در زمان خود توانستند اسلام حقیقی را زنده نگه داشته و باعث قوام آن شوند. اولین گام های ابتدایی دین اسلام برای رشد و پیشرفت توسط محمد بن عبدالله (ص) برداشته شد. کسی که بشارت آمدنش در کتب دینی قبل از خود آمده بود. با نگاهی به آیات قرآن این حقیقت مبین قابل دریافت است. ما در آیه ۱۴۶ از سوره بقره می خوانیم:

الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ قَرِيْبًا مِنْهُمْ لِيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ . گروهی که ما بر آنها کتاب فرستادیم، (محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حقانیت) او را به خوبی می شناسند همان گونه که فرزندان خود را، و لکن گروهی از آنان (از راه عناد) حق را کتمان می کنند در صورتی که علم به آن دارند. همین موضوع باعث می شود تا بدانیم کتابی که حقانیت آن در طول ۱۴۰۰ سال ثابت شده حتما اشارات درستی به موضوع بشارت پیامبر گرامی اسلام در کتب عهد قدیم داشته است. این موضوع با رجوع به کتب تورات و انجیل به راحتی مشخص می شود.

پیامبر آخرالزمان

یکی از مواردی که می توان به عنوان بشارت های عهد عتیق به نبوت پیامبر اسلام به شمار آورد، بخشی از سفر تثنیه است که یهود را به دلیل اینکه خداوند را خشمناک کرده اند به فرستادن قومی غیر از خودشان تهدید می کند: ایشان مرا به آنچه خدا نیست به غیرت آوردند و با باطل خود مرا خشمناک گردانیدند و من ایشان را به آنچه قوم نیست به غیرت خواهم آورد. (۱) در تفسیر و تبیین مراد از این قوم گفته شده آنان همان قوم عرب هستند که نبوت از نژاد آنان بوده و پیامبر آخرالزمان از میان آنان خواهد بود. (۲)

با این اوصاف و همچنین در نظر داشتن اینکه خود قرآن هم به شناخت یهودیان از پیامبر اسلام اذعان داشته است برای هر عقل سلیمی مشخص می شود که نام و نشام حضرت محمد مصطفی(ص) در عهد عتیق آمده است. این مورد جای هیچ شک و شبهه ای برای یهودیان در ایمان آوردن به پیامبر اسلام باقی نگذاشته است.

پارقلیطا در انجیل

اما انجیل هم به آمدن پیامبر گرامی اسلام بشارت داده است. تنها با نگاهی دقیق می توان به موارد زیادی دست یافت که اثبات می کند انجیل هم بشارت آمدن پیامبر آخرالزمان را داده است. به طور مثال اینک به بیان آیتی از انجیل یوحنا می پردازیم: من از پدر خواهم خواست و او پارقلیطای دیگری به شما خواهد داد که تا ابد با شما باشد. (۳) چون بیاید آن پارقلیطا که من سوی شما خواهم فرستاد از جانب پدر، روح راستی که از جانب پدر می آید او درباره من شهادت خواهد داد. (۴)؛ لیکن من راست می گویم به شما، که شما را مفید است که اگر من نروم پارقلیطا سوی شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما خواهم فرستاد. و چون او بیاید جهان را به پرهیز از گناه و

صدق و انصاف ملزم خواهد کرد ... ،... و چون او بیاید شما را به تمام راستی ارشاد خواهد نمود زیرا که او از پیش خود چیزی نخواهد گفت و هرچه خواهید شنید خواهد گفت و شما را به آینده خبر خواهد داد، و او مرا جلال خواهد داد، هر آنچه پدر دارد از آن من است از همین سبب گفتم که آنچه از من است خواهد یافت و شما را خبر خواهد داد. (۵))

پارقلیطا معرب کلمه پاریکلتوس است که معنی آن در فارسی بسیار ستوده و در عربی احمد و محمد می شود. قبل از اسلام در این که پارقلیطا پیامبر موعود انجیل است هیچ اختلافی بین علمای مسیح و مفسرین انجیل وجود نداشته است حتی افرادی از مسیحیان خود را موعود انجیل خواندند و به این لفظ تمسک جستند. ولیم میور در کتاب خود که در تاریخ ۱۸۴۸ میلادی نوشته است آورده که فردی از آسیای صغیر بنام منتس دعوی رسالت کرد و خود را پارقلیطای موعود انجیل خواند و گروهی هم وی را پذیرا شدند (۶)

اما علمای مسیحی بعد از اسلام وقتی به این آیات رسیدند فارقلیطا را به معنی پاراکلتوس، که بمعنی تسلی دهنده است و بر روح القدس اطلاق می شود ترجمه کردند تا بشارت ظهور محمدی را محو نمایند. لکن می توان به ادله متعددی ثابت کرد که فارقلیطا، روح القدس نیست بلکه همان پیامبر موعود است که حضرت محمد باشد و نظریه علمای مسیحی مردود است زیرا آیات نقل شده بشارت از ظهور کسی پس از حضرت عیسی مسیح (ع) می دهد که:

الف) آمدن او مشروط به رفتن مسیح بوده و آمدن روح القدس مشروط به چنین شرطی نبوده است زیرا روح القدس بارها قبل از آن به حضور حضرت مسیح رسیده و پیام الهی آورده است و اگر چنین باشد سخن حضرت مسیح لغو خواهد بود که فرمود تا من باشم او نخواهد آمد.

ب) او پارقلیطای دیگری است که برای همیشه و تا انقراض جهان شخصیت و آئین اش بر بشریت حکومت می کند. اگر پارقلیطا روح القدس باشد پارقلیطای دیگر روح القدس دیگر است و این مطلب اعتقادات خود مسیحیان را زیر سؤال می برد که می گویند خدا در سه جز پدر و پسر و روح القدس جلوه گر است. زیرا عده اقاویم را از ۳ به ۴ و بیشتر افزایش می دهد و این خود مخالف تثلیث مورد ادعای آنهاست.

ج) وی درباره مسیح شهادت داده او را تصدیق خواهد کرد. اگر روح القدس باشد لازم می آید که او بر افرادی غیر از انبیا الهی هم نازل شود و اینکه او آیین مسیح را تکمیل و ناگفته های او را بیان خواهد نمود و آن حضرت را جلال و شکوه خواهد بخشید به بدهت عقل واضح است که تکمیل آیین مسیح بر عهده پیامبران است نه روح القدس که از ملائکه است و اگر قرار بود روح القدس این وظیفه را انجام دهد دیگر چه نیازی به هر کدام از انبیا الهی بود.

د) روح القدس رئیس جهان نیست زیرا ریاست معنوی و روحانی بعهد انبیا است و روح القدس بر مردم نازل نمی شود، تا مردم را به چیزی ملزم و از چیزی باز دارد.

با این اوصاف می توان دریافت شیمای حضرت محمد(ص) در عهد قدیم و جدید آمده است. در واقع هم اوصاف و هم نام مبارک پیامبرم اکرم اسلام در تورات و انجیل آمده است. همین موضوع باعث می شود تا حقانیت اسلام بیش از پیش ثابت شود و نور خود را به اوج کمال

معنویت در اذهان بشر امروزی برساند.

۱. عهد عتیق، تثنیه ۲۱:۳۲-۲۲.

۲. دریایی، پیامبر موعود در تورات و انجیل، ص ۲۱۷.

۳. انجیل یوحنا، باب چهارده، آیه ۱۶،

۴. همان، آیه ۲۶.

۵. انجیل یوحنا، باب ۱۶، آیات ۷ تا ۱۵.

۶. بشارات عهدین، محمد صادقی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ص ۲۳۱.